



تبیین، تحلیل و نقد روایات؛ شاهکار علامه طباطبایی در روایات تفسیری

اقدام علامه طباطبایی در تبیین، تحلیل و نقد روایات تفسیری، خدمتی ارزشمند و ممتاز محسوب می‌شود و تفاسیر روایی و غیرروایی دیگر بسیار کم به این مسئله پرداخته و اغلب بدون پرداختن به روایت‌های آسیب‌دار، به نوعی در مقابل آنها سکوت کرده یا آنها را کنار گذاشته‌اند.

اقدام علامه طباطبایی در تبیین، تحلیل و نقد روایات تفسیری، خدمتی ارزشمند و ممتاز محسوب می‌شود و تفاسیر روایی و غیرروایی دیگر بسیار کم به این مسئله پرداخته و اغلب بدون پرداختن به روایت‌های آسیب‌دار، به نوعی در مقابل آنها سکوت کرده یا آنها را کنار گذاشته‌اند.

شادی نفیسی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث و نویسنده کتاب «علامه طباطبایی و حدیث» با موضوع روش‌شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان (پژوهش دینی برگزیده سال 81) در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به بیان ویژگی‌ها و نکاتی در باره میراث تفسیر روایی المیزان و نحوه تعامل علامه طباطبایی با روایات فریقین در تفسیر خود پرداخت.

وی اظهار کرد: اولین نکته‌ای که در بحث از رویکرد علامه طباطبایی به روایات در تفسیر المیزان می‌توان بدان اشاره کرد، این است که به رغم این‌که علامه در مقدمه تفسیر خود اشاره می‌کنند که تفسیر قرآن در حوزه غیراحکام نیاز به روایات ندارد - و به همین دلیل بحث روایت را از تفسیر جدا می‌کنند - اما میراث تفسیر روایی که ایشان در المیزان برای ما باقی گذاشته‌اند، از جهات مختلف بسیار ارزشمند است.

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم حدیث با تأکید بر این‌که به لحاظ حجمی، روایات تفسیری المیزان، حجم بسیار بالایی را به خود اختصاص داده است، عنوان کرد: این میزان به حدی است که اگر آن را از تفسیر المیزان جدا کنیم، بالغ بر چندین جلد خواهد شد که حتی از برخی از مجموعه‌های تفسیر روایی نیز بیشتر خواهد بود.

نفیسی همچنین با اشاره به برخی از ویژگی‌های ممتاز کیفی میراث تفسیر روایی المیزان تصریح کرد: علامه طباطبایی اهتمام داشته‌اند که روایات شیعه و اهل سنت را در کنار هم بیاورند. بر همین اساس اتکای عمده ایشان در گزارش روایات اهل سنت بر تفسیر درالمنثور سیوطی - که یک تفسیر جامع روایی قرن دهم است - بوده که خود این مجموعه نیز روایات را از منابع مختلف اهل سنت نقل کرده است.

علامه طباطبایی در بحث از روایات، اهتمام اصلی خود را بر بررسی متنی قرار داده و در تحلیل خود کمتر به بررسی و داوری سندی پرداخته‌اند. ایشان در موارد بسیار کمی سند روایات را می‌آورند و در اغلب مواضع سند را به صورت ناقص ذکر می‌کنند و فقط معصوم (ع) صاحب روایت یا راوی معصوم را گزارش و در پارهای موارد نیز به وضعیت ارزیابی سند و داوری درباره آن می‌پردازند. وی افزود: نکته قابل توجهی که در تأمل بر این مقابله و مقارنه منابع روایی شیعه و اهل سنت در المیزان به چشم می‌خورد، دیدگاه‌ها و روایات مشترک و شبیه به هم شیعه و اهل سنت در موضوعات مختلف است؛ حتی در موضوعاتی چون روایات تأویلی که ارتباط و اختصاص آن به شیعه مشهور است، نیز اهل سنت روایات بسیاری دارند که مشابه و هم‌مضمون با روایات شیعه است.

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم حدیث اقدام علامه طباطبایی در تبیین، تحلیل و نقد روایات تفسیری را کاری ارزشمند خواند و ادامه داد: در تفاسیر روایی و غیرروایی دیگر کمتر شاهد این امر بوده‌ایم و شاید بتوان گفت که خدمت بزرگ علامه در این زمینه - با وجود این‌که بعد از ایشان کارهای مختلفی در حوزه تفسیر شیعی و بعضاً حتی کارهای روایی انجام گرفته - همچنان از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار است.

این محقق و پژوهشگر در تشریح این مطلب اضافه کرد: یکی از آسیب‌هایی که در حوزه تفاسیر روایی با آن مواجهیم این است که روایاتی که در ذیل آیات گزارش شده و بعضاً در تفاسیر روایی ذکر شده‌اند، تبیین، تحلیل و نقادی نشده‌اند؛ بدان معنا که نه ارتباط روایت با معنای آیه تبیین شده و نه این‌که تعارض یا مشکل احتمالی موجود در آن تبیین شده است. این امر بسیار کم اتفاق افتاده و

تفاسیر بسیار محدودی هستند که به نوعی به این موضوع پرداخته باشند.

وی با بیان این که در مجموعه‌های تفسیری دیگر بسیار کم اتفاق افتاده که به تبیین، تحلیل و نقد روایات پرداخته باشند، عنوان کرد: بعضی از تفاسیر از ابتدا روایت‌های مناسب را انتخاب کرده‌اند و به همین دلیل، به بخش دیگری از روایات - که احیاناً مشکل دارد - نپرداخته‌اند و در واقع بدون پرداختن به روایت‌های آسیب‌دار به نوعی سکوت کرده یا آنها را کنار گذاشته‌اند.

وی تصریح کرد: علامه طباطبایی هم ارتباط روایات با آیات را تبیین و هم آسیب‌های روایات مشکل‌دار را گزارش کرده‌اند و بخش روایی تفسیر المیزان برای تمامی کسانی که می‌خواهند در حوزه تحلیل روایات تفسیری تحقیق و پژوهش انجام دهند، مجموعه‌ای ارزشمند و منبعی مهم محسوب می‌شود.

نویسنده کتاب «؛ علامه طباطبایی و حدیث» با موضوع روش‌شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان خاطرنشان کرد: البته بسیاری مواضع دیگر نیز وجود دارد که علامه از کنار روایت گذشته و چندان بدان نپرداخته است، ولی با این همه خدمتی که علامه در این حوزه انجام داده و مطالب ارائه شده از سوی ایشان، منحصر به فرد است و جایگاه ویژه‌ای دارد.

نفیسی با بیان این که علامه طباطبایی در بحث از روایات، اهتمام اصلی خود را بر بررسی متنی قرار داده و در تحلیل خود کمتر به بررسی و داوری سندی پرداخته‌اند، بیان کرد: ایشان در موارد بسیار کمی سند روایات را می‌آورند و در اغلب مواضع سند را به صورت ناقص ذکر می‌کنند و فقط معصوم(ع) صاحب روایت یا راوی معصوم را گزارش و در پارهای موارد نیز به وضعیت ارزیابی سند و داوری درباره آن می‌پردازند و برای مثال، به ضعف سند، ارسال سند و اضطراب در سند روایت و مانند آن اشاره می‌کنند.

نکته قابل توجهی که در تأمل بر این مقابله و مقارنه منابع روایی شیعه و اهل سنت در المیزان به چشم می‌خورد، دیدگاه‌ها و روایات مشترك و شبیه به هم شیعه و اهل سنت در موضوعات مختلف است

این محقق و پژوهشگر ادامه داد: تقریباً می‌توان گفت که علامه در بررسی روایات به هیچ وجه صرفاً با بررسی سند، حکم صادر نمی‌کنند و اگر سند ضعف دارد، ولی متن استوار است، روایت را می‌پذیرند و چنانچه متن اشکال دارد، اما سند صحیح است، روایت را کنار می‌گذارند و اگر متن اشکال دارد و سند هم ضعیف است، این قرائن را کنار هم گزارش می‌کنند و بدان می‌پردازند، اما هیچ‌گاه صرفاً با بررسی سندی به نقد و داوری درباره روایت نمی‌پردازند.

نفیسی با اشاره به این که علامه در بخش تفسیر روایی المیزان، در موضوعات مختلف به بررسی روایات پرداخته‌اند، اظهار کرد: این موضوعات گوناگون را می‌توان به نوعی به طور خلاصه به صورت ذیل طبقه‌بندی کرد: روایاتی که به طور خاص تفسیر آیه هستند، روایاتی که داستان‌ها را گزارش می‌کنند، روایاتی که ناظر به مباحث اعتقادی هستند، روایاتی که در بحث از سند نزول بدان‌ها توجه می‌شود و روایاتی که ناظر به تأویل آیات در حق ائمه(ع) هستند. گرچه طبقه‌بندی‌های دیگر و بیشتری از انواع مختلف این روایات می‌توان عرضه کرد.